

گنج واژه

مصطفی ذاکری

۱. تعریف

گنج واژه، که به انگلیسی Thesaurus نامیده می‌شود، کتابی است حاوی لغات و تعبیرات مترادف و متقارب‌المعنی که به صورت منطقی و معقولی طبقه‌بندی و تنظیم شده باشد تا مراجعه‌کننده بتواند، به کمک آن، لغت یا لغات مناسب برای بیان مفاهیم مورد نظر خود را بیابد.

کاری که این مرجع می‌کند درست برعکس کاری است که فرهنگ‌ها انجام می‌دهند. ذکر مثالی این مطلب را روشن‌تر خواهد کرد: اگر کسی در مطالعات خود به لغتی برخورد کند نشنیده باشد یا معنای آن را فراموش کرده باشد، به ناچار باید به فرهنگ مراجعه کند تا معنای آن لغت را به دست آورد. حال اگر، به عکس این مورد، آن شخص معنا یا مفهومی را در ذهن داشته باشد و نتواند لغت یا تعبیر مناسبی برای آن پیدا کند یا لغتی که لازم دارد از یادش رفته باشد و به ذهنش نرسد و به اصطلاح نوک زبانش باشد اما نتواند به خاطر آورد یا لغتی را که به کار برده با سبک کلامش جور در نیاید یا با آهنگ سخنش تناسب نداشته باشد، چه باید بکند؟ یگانه چاره‌ی این مشکل مراجعه به کتابی است که ما «گنج واژه» می‌نامیم.

این مرجع به ما کمک می‌کند تا، از میان مجموعه‌ی مترادفات یک لغت یا عبارت، آن را انتخاب کنیم که فکر ما را واضح‌تر و دقیق‌تر و رساتر بیان کند.

این مرجع، علاوه بر اینها، می‌تواند به مترجمان کمک کند تا، از میان لغات و اصطلاحات موجود در زبان، کلمه‌ای را بیابند که دقیقاً یا تقریباً معادل یک لغت خارجی باشد و دیگر ناچار نشوند که بی‌جهت به جعل اصطلاح و وضع لغات جدید بپردازند و بار زبان را بیهوده سنگین کنند.

۲. ساخت گنج واژه

گنج واژه، بنابر آنچه گفته شد، چیزی نیست جز کتابی حاوی هزاران لغت. هیچ‌یک از لغت‌ها

در آن معنا نمی‌شود. در این کتاب، لغت‌ها بر حسب مفاهیم خود طبقه‌بندی و در ذیل مفاهیم کلیدی مرتب می‌شوند. طبق طرح اصلی، که مبدع آن یک پزشک انگلیسی (۴۵) بود، کلیه مفاهیمی که در برابر آنها لغتی وجود دارد به هزار مقوله (Category) تقسیم شده است. در ذیل هر مقوله، لغات بر حسب مفاهیم دسته‌بندی و در هر بند (پاراگراف) لغات نزدیک به هم، یعنی لغاتی که مفهومشان به یک‌دیگر نزدیک است، ذکر می‌شوند. بنابراین، هر چند همه‌ی بندهای ذیل یک مقوله از لحاظ مترادف یا متشابه‌اند، هر بند با بند دیگر کم و بیش فرق معنایی دارد و به همین جهت کلمه‌ی اول هر بند طوری انتخاب می‌شود که معنای دقیق لغات آن بند را ساده‌تر و کامل‌تر و بهتر بیان کند.

نکته‌ی دیگر این که، در تنظیم لغات هر مقوله، مفاهیم اسمی مقدم بر مفاهیم وصفی می‌آیند و بعد از آن فعل‌های مربوط به آن مقوله و سرانجام قیود و حروف ربط و حروف اضافه‌ای که به نحوی به آن مقوله ربط داشته باشند.

علاوه بر لغات ساده و مرکب، عبارات و تعبیرات کنایی مربوط به هر مقوله ذیل همان مقوله می‌آید؛ زیرا که این عبارات نیز، مانند لغات، کاربرد وسیعی دارند و گاهی فکر ما را بهتر از لغات ساده بیان می‌کنند و حتی گاهی برای مفهوم مورد نظر ما، در زبان، فقط عبارت کنایی وجود دارد و هیچ لغت ساده‌ای یافت نمی‌شود. مثلاً به جای عبارت‌هایی نظیر «کشک خودت را بساب»، «سری که درد نمی‌کند دست‌مال میند»، «دام گستردن» و امثال آنها نمی‌توان به آسانی لغات و تعبیرهای ساده نشان داد.

مقوله‌ها مفهوم‌هایی اصلی و کلی هستند که بنیادگذار این گنجینه با سال‌ها فکر و دقت آنها را تعیین کرده است، به نحوی که هر مقوله حاوی بخشی مهم از اندیشه‌ی انسانی است که برای آن لغاتی وضع شده است. در حقیقت، همه‌ی مفاهیم در مقوله‌های محدودی دسته‌بندی و به عمد شمار آنها، چنان که گذشت، محدود نگه داشته شده است.

این که تمام مقوله‌ها می‌بایست از نوع اسم باشند باعث دشواری کار طبقه‌بندی مفاهیم لغات بوده است؛ زیرا که بسیاری از مفاهیم، در زبان، مثلاً فقط به صورت قید به کار می‌روند و در برابر آنها صفت و اسمی وجود ندارد. کلمه‌ی never (هرگز) قید است و در مقابل آن اسمی وجود ندارد که بتوان آن را به عنوان یکی از مقولات اساسی در مدخل اصلی آورد، لذا بنیادگذار این گنجینه در زبان انگلیسی برای مقوله‌ی اصلی آن کلمه‌ی neverness (هرگزی) را انتخاب کرده و آن را به مفهوم بی‌زمانی در مقابل مفهوم امتداد زمان قرار داده است. خود او می‌گوید که چنین مفهومی در زبان وجود نداشت و اسقف و بلیکنس (Bishop Wilkins)، که

قبل از او در صدد طبقه‌بندی مفاهیم بوده است، این لغت را وضع کرده بود و او آن را اقتباس کرده است. در ذیل مقوله‌ی neverness، فقط قیده‌ها آمده‌اند:

never, at no-time, at no-period, on no occasion, never in all one's born days, nevermore, sine die)

اما محققان جدید، که کارِ راجت را دنبال و کتاب او را تکمیل و اصلاح و در آن تجدید نظر کرده‌اند، چند کلمه‌ی دیگر از نوع اسم یا عبارات اسمی، مانند:

absense, of time, no time dies non, Tib's eve, Greek's Kalends

بدان افزوده‌اند.

راجت در این باره خود در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید:

«در تنظیم طبقه‌بندی مفاهیم، غالباً با کم‌بود اصطلاحات اسمی در برابر کیفیات انتزاعی یا به صورت مجرد، که به صورت صفت در زبان نشان داده می‌شوند، مواجه می‌شدم و به وسوسه می‌افتادم که الفاظی وضع کنم که بر این معانی مجرد دلالت داشته باشند، اما خود را تسلیم این وسوسه نکردم جز در مورد چهار کلمه‌ی irrelativeness (نا مربوطی) از صفت irrelative (نامربوط) که در برابر relation (نسبت) قرار دارد (و می‌توان به بی‌نسبتی یا عدم نسبت هم ترجمه کرد)؛ amorphousness (بی‌شکلی) از صفت amorphous (بی‌شکل) در برابر form (شکل و صورت)؛ sinistrality (چپ‌دستی) از صفت sinistral (چپ‌دست) در برابر dextral؛ gaseity (بخاریت) از gaseous (بخارآلود) در برابر fluidity (سیلان). علاوه بر این، صفت intersocial را وضع کردم تا ارتباط اختیاری میان انسان با انسان را بیان کنم.»

راجت به هر مقوله شماره‌ای (از ۱ تا ۱۰۰۰) اختصاص داده است. در تنظیم مقوله‌ها، همواره مقوله‌های متقابل (یا به اصطلاح متضاد) را در مقابل هم قرار داده است و معمولاً شماره‌های آنها هم به دنبال یک‌دیگرند. مثلاً Existence (وجود) شماره‌ی ۱ است و Nonexistence (عدم) شماره‌ی ۲. در این‌جا منظور از کلمات متقابل انواع تقابل است از تضاد و تناقض و عدم و ملکه و تضایف. راجت شرح مبسوطی درباره‌ی تقابل آورده است که بسیار آموزنده و جالب است و می‌تواند برای اهل منطق و فلسفه هم مفید باشد. نکته‌ی دیگر این که چون غالب لغات هر زبان دارای معانی متعددی هستند، لذا یک لغت، به تعداد معانی متمایزی که دارد، در مقوله‌های مختلف جا می‌گیرد. مثلاً در فرهنگ معین، «بار» در شش مدخل آمده و جمعاً ۲۱ معنا برای آن ذکر شده است. هر یک از این معانی به یکی از مقوله‌های هزارگانه‌ی راجت تعلق می‌یابد: به معنای محموله‌ای که بر پشت حمل می‌کنند (load) ذیل Contents (شماره‌ی ۱۹۰)؛ به معنای میوه و حاصل درخت (fruit) ذیل

Acquisition (شماره‌ی ۷۷۵)؛ به معنای وزن و ثقل (weight) ذیل **Gravity** (۳۱۹) جا می‌گیرد. تا اینجا نحوه‌ی طبقه‌بندی مفاهیم و لغات در گنج واژه‌ی راجت تا حدودی معلوم شد و مزیت و حسن آن روشن گردید. حال اگر شما بخواهید مترادف یا مترادفات لغتی را به دست آورید، باید به نحوی به مقوله‌ی مورد نظر دست پیدا کنید. مثلاً اگر شما بخواهید همه‌ی لغاتی را که به معنای «بار» (محموله) هستند به دست آورید، باید به مقوله‌ی **contents** (۱۹۰) مراجعه کنید.

اما چگونه باید به این مقوله دست‌رسی پیدا کرد یعنی از کجا باید فهمید که معانی «بار» ذیل شماره‌ی ۱۹۰ درج شده است؟ این مشکل را راجت با نمایه (index) حل کرده است. جوینده با استفاده از این نمایه و رسیدن به شماره‌ی مدخل اصلی به همه‌ی مترادفات کلمه‌ی مورد نظر خود دست پیدا می‌کند.

لغاتی که در نمایه آمده‌اند کلماتی هستند که معمولاً به ذهن ما خطور می‌کنند و ما مترادف آنها را لازم داریم. به عبارت دیگر، این کلمات همان‌هایی هستند که می‌خواهیم به جای آنها کلمات دیگری به کار ببریم. بدین سان، در نمایه همه‌ی لغات متن گنج واژه تکرار نشده بلکه لغاتی آمده است که بیشتر سر زبان‌هاست و شخص در پی یافتن مترادف آنهاست. من لغات مندرج در چاپ چهارم گنج واژه‌ی راجت (لندن ۱۹۵۶) را، که ظاهراً آخرین چاپ تجدید نظر شده‌ای است که در زمان حیات مؤلف صورت گرفته، حدود ۶۰,۰۰۰ برآورد کرده‌ام. اما در نمایه‌ی همان چاپ به تخمین ۱۸۶۴۸ لغت آمده است.

گنج واژه‌ی راجت هنوز بهترین و کامل‌ترین کتاب در نوع خود در زبان‌های اروپایی به شمار می‌آید. لذا می‌بینیم که از زمان خود مؤلف چاپ‌های متعددی از آن به بازار آمده است و اکنون هر سال چاپ‌هایی از آن در هر یک از کشورهای انگلیسی زبان (انگلستان، امریکا، کانادا، استرالیا، هند و غیره) منتشر می‌شود. تا کنون عده‌ی زیادی از اهل لغت به تجدید نظر و اصلاح و تکمیل آن کوشیده‌اند، چنان‌که ویرایش‌های جامع‌تر و کامل‌تری از آن اکنون در دست است. مثلاً پنگوئن چاپی از آن منتشر کرده که چند بار ویرایش شده و در چاپ ۱۹۷۹، که اکنون در دست این جانب است، لغات متن کتاب بیش از دو برابر (حدود ۱۲۳۰۰۰) شده، در نمایه هم ۲۳۵۲۴ لغت با حدود ۴۳,۰۰۰ معنا آمده است. چاپ دیگری از این کتاب در دست من است که نوه‌ی آقای راجت آن را تجدید نظر و تکمیل و در سال ۱۹۲۵ منتشر کرده است و این چاپ نیز به تخمین حدود ۱۰۳ هزار لغت در متن و ۷۳ هزار معنا در نمایه دارد.

۳. مقولات لغات

راجت، برای طبقه‌بندی مفاهیم و یافتن مقولات، از نظام رده‌بندی جانوران و گیاهان استفاده و مفاهیم را به اجناس و انواع و اصناف تقسیم کرده و به عدد هزار رسیده است. او، به این منظور، همه‌ی مفاهیم را که به تعبیر لفظی در آمده‌اند به شش گروه اصلی تقسیم کرده است که می‌توان، به اصطلاح اهل منطق، آنها را اجناس شش‌گانه نامید، به شرح زیر:

۱. Abstract relations (نسبت‌های انتزاعی)

۲. Space (مکان)

۳. Matter (ماده)

۴. Intellect (ذهن)

۵. Volition (اراده)

۶. Affections (عاطفه)

سپس، هر یک از این اجناس را به انواعی تقسیم می‌کند. مثلاً گروه اول، یعنی نسبت‌های انتزاعی، را به هشت گروه فرعی یا انواع هشت‌گانه تقسیم می‌کند به شرح زیر:

۱. Existence (وجود)

۲. Relation (نسبت یا اضافه)

۳. Quantity (کمیت)

۴. Order (ترتیب)

۵. Number (شمار)

۶. Time (زمان)

۷. Change (حرکت یا تبدل)

۸. Causation (علیت)

هر یک از انواع هشت‌گانه باز هم به اصنافی تقسیم می‌شوند. مثلاً Existence (وجود)، که نوع اول از Abstract relation (نسبت‌های انتزاعی) است، خود به اصناف (گروه‌های فرعی‌تر) زیر تقسیم می‌شود:

۱. being in the abstract (هستی مجرد)

۲. being in the concrete (هستی مجسم)

۳. formal existence (هستی مصور)

۴. modal existence (هستی موجه)

اینک می‌رسیم به مقولات: هر یک از این اصناف به مقولاتی تقسیم می‌شوند که معمولاً به صورت زوج (متقابل) در می‌آیند. البته بعضی از مقوله‌ها مقوله‌ی متقابلی ندارند و برخی دیگر بیش از یک متقابل دارند (مثلاً در مقابل «ابتدا» هم «انتها» قرار دارد و هم «وسط»). در مواردی، محققان بعدی کم‌بودهای طرحِ راجت را تکمیل کرده‌اند و متقابل‌هایی را افزوده‌اند. مثلاً راجتِ uniformity (یک‌نواختی) را آورده که مقوله‌ای است از اصنافِ continuous relation (نسبت پیوسته)، اما در مقابل آن مقوله‌ای ذکر نکرده است. فرزند او و محققان دیگر در مقابل آن non-uniformity (نا یک‌نواختی) را هم ذکر کرده‌اند و، چون uniformity مقوله‌ی شماره‌ی ۱۶ بوده، برای آن‌که نظام شماره‌گذاری راجت به هم نخورد، «نا یک‌نواختی» را ۱۶ الف (16a) قرار داده‌اند.^۱ اینک، برای مثال، مقولات متعلق به اصناف مختلف «وجود» را، که بر حسب اتفاق هر کدام دو مقوله بیش ندارند، در ذیل می‌آوریم. نوع اول از abstract relations (نسبت‌های انتزاعی) یعنی Existence (وجود) به چهار صنف و

هر صنف به دو مقوله تقسیم می‌شود به شرح زیر:

صنف اول - هستی مجرد، دارای دو مقوله:

۱. existence (هستی)؛ ۲. inexistence یا non-existence (نیستی)

صنف دوم - هستی مجسم، دارای دو مقوله:

۳. substantiality (شیئیت)؛ ۴. unsubstantiality (لاشیئیت)

صنف سوم - هستی مصور (یا صوری) دارای دو مقوله:

مقوله‌ی وجود درونی (internal): ۵. intrinsicality (بطنون)؛ مقوله‌ی وجود بیرونی

(external): ۶. extrinsicality (ظهور)

صنف چهارم - هستی موجه (یا جهت‌دار) دارای دو مقوله:

وجود جهت‌دار مطلق (absolute):

۷. state (حالت)؛ وجود جهت‌دار نسبی (relative) ۸. circumstance (وضع،

وضعیت).

در برخی موارد مقولات یک صنف نسبتاً زیاد است و به ۱۳ یا ۱۴ مقوله هم می‌رسد. راجت در ابتدای کتاب خود این تقسیم‌بندی را به صورت نموداری نشان داده است.

(۱) در چاپ پنگوئن non-uniformity ذیلی شماره‌ی ۱۷ آمده و اصولاً در شماره‌ی مقولات تغییر مختصری داده شده است به طوری که شمار آنها به ۹۹۰ محدود شده است.

۴. بنیادگذار گنج واژه

مبدع این روش، چنان که اشاره رفت، پزشکی است از مردم انگلستان به نام پیتر مارک راجت^۲ که دانش مند و اهل قلم هم بود و مدت‌ها دبیری انجمن سلطنتی انگلستان را بر عهده داشت. وی از اوایل قرن نوزدهم به فکر ابداع طبقه‌بندی مفاهیم و جمع‌آوری لغات مربوط به هر مقوله افتاد. مواد اثر او به تدریج طی نیم قرن فراهم شد و او، سرانجام، در ۱۸۵۲ کتاب خود را با عنوان گنجینه‌ی لغات و عبارات انگلیسی^۳ منتشر کرد. این کار بدیع چنان مورد توجه اهل علم و ادب قرار گرفت که در زمان حیات خود مصنف چند بار تجدید چاپ شد. راجت در مقدمه‌ی کتابش در چاپ اول می‌نویسد:

از زمانی که من نخست به فکر تهیه‌ی نظامی برای طبقه‌بندی کلمات افتادم اکنون فریب پنجاه سال می‌گذرد. چون به نظرم آمد که تهیه‌ی کتابی که حاوی چنین طبقه‌بندی باشد می‌تواند برای رفع کمبودهای لغوی خودم مفید باشد، درصدد جمع‌آوری مجموعه‌ای از لغات به شیوه‌ای که در کتاب حاضر می‌بینید برآمدم. و به تدریج مجموعه‌ای کوچک اما بر مقیاس کتاب کنونی در سال ۱۸۰۵ فراهم و تکمیل شد. این مجموعه، با آن که کوچک و کم محتوا بود، در موارد بسیار به مردم خورد و در نوشته‌های ادبی از آن استفاده می‌کردم و لذا گاه به فکر تکمیل و اصلاح آن می‌افتادم. اما هر بار احساس عظیم کار و مسئولیت‌های گوناگونی که داشتم مرا از اقدام باز می‌داشت، تا آن که از دبیری انجمن سلطنتی بازنشسته شدم و برای پرداختن به این کار فرصت فراوانی یافتم و گمان بردم که این مجموعه که تا این حد برای من مفید افتاده بود، اگر تکمیل شود و بهتر گردد، چه بسا که برای دیگران نیز سودمند افتد. لذا مصمم شدم که خود را یک‌سره وقف این کار کنم که در سه چهار سال گذشته مرا تمام و کمال مشغول داشت و چندان رنج برای من فراهم آورد که هرگز پیش‌بینی آن را نمی‌کردم. با این‌همه زحمتی که در این کار کشیدم، هنوز خود به خوبی واقفم که این کتاب نقایص و کمبودهای فراوان دارد و تا حدی کمال هنوز راه بسیار مانده است. اما از آمال و آرزوهای دست نیافتنی به ناچار دست شستم و به آنچه در این کتاب می‌بینید بسنده کردم.

در مقدمه‌ی چاپ سوم، که در ۱۸۵۵ منتشر شده است، نوشته که به علت استقبال از این کتاب آن را پیش از پیش تکمیل و اصلاح کرده و چند هزار تعبیری که در چاپ‌های قبلی نبود بدان افزوده و لغات و عبارات را به نحو بهتری تنظیم کرده است.

سپس، گله‌مند شده است که چاپ ناقصی از آن در امریکا انتشار یافته که عبارات کنایی را از آن حذف کرده‌اند، در حالی که این عبارات جزء مهمی از این کتاب بوده است. در حقیقت، این از بهترین ابتکارات راجت بوده است که عبارات کنایی را در فرهنگ وارد نموده و قبلاً در اروپا چنین سنتی وجود نداشته است.

امروزه چاپ‌های منقح‌تر، کامل‌تر و جامع‌تری از این کتاب فراهم شده است و محققان در نظام طبقه‌بندیِ راجتِ تغییراتِ مختصری وارد کرده‌اند. علاوه بر آن، در چاپ‌های جدید، لغات و تعییراتِ منسوخ و کهنه و غیر مستعمل را حذف کرده‌اند و به جای آنها لغاتِ رایجِ دیگری افزوده‌اند.

۵. محاسن و معایبِ گنج واژه

گنج واژه، چنان‌که ملاحظه شد، مجموعه‌ای است از واژه بدونِ هیچِ مطلبِ اضافی. معنای لغات در این کتاب نیامده و جز لغت چیزی در آن نیست. البته هویتِ دستوریِ کلمات مشخص شده است. در ذیلِ هر مقوله، نخست لغاتی که معنای اسمی دارند آمده، سپس فعل‌ها و بعد صفات و قیود و حروفِ اضافه و ربط. در برخی چاپ‌ها برچسب‌های کاربردی را هم به صورتِ علاماتِ اختصاری اضافه کرده‌اند؛ مثلاً ادبی، شعری، عامیانه، جاهلانه، علمی، فنی و امثالِ آنها.

مقدمه‌ی کتاب حاویِ شرحِ روشِ فکری و چگونگیِ کارِ راجت است و خود می‌تواند راه‌نمای خوبی برای صاحب‌نظران و فرهنگ‌نویسان باشد و ترجمه و نشرِ آن خالی از فواید علمی نیست.

واضح است که مفاهیم غالباً به هم نزدیک‌اند و مرزِ آنها بسیار باریک است به طوری که گاهی از این سویِ مرز به سویِ دیگر می‌افتند و داخلِ یک‌دیگر می‌شوند. لذا تمیزِ تفاوتِ معنایی و فرق‌های لغوی در آن کاری است مشکل. اما راجت با ارجاعِ مقولات به یک‌دیگر و تکرارِ لغات در ذیلِ مقولاتِ متشابه این مشکل را آسان کرده است. در هر مقوله، پس از برخی از لغت‌ها عددی در داخلِ پرانتز دیده می‌شود و این عدد اشاره است به مقوله‌ای دیگر که مفاهیم نزدیک به آن لغت را در آن مقوله می‌توان یافت. بدین‌سان، جستجوگر می‌تواند گنجینه‌ی لغاتِ خود را غنی‌تر سازد.

آوردنِ متقابل و متضادِ لغات در برابرِ آنها در ذیلِ مقولاتِ متقابل (که در ستون‌های مقابلِ یک‌دیگر آمده‌اند) این امتیاز را دارد که اگر لغتِ مناسبی در مقوله‌ی موردِ نظر پیدا نشد می‌توان از متضادِ آن استفاده کرد. مثلاً اگر «واقعی» و مترادفاتِ آن در ذیلِ مقوله‌ی «وجود» شما را راه‌نمایی نکند می‌توانید از کلماتِ «غیر واقعی» یا «غیر موهوم» استفاده کنید.

مقولات به صورتی منطقی طبقه‌بندی و مرتب شده‌اند، لذا گاهی مراجعه به مقولاتِ پیش یا پس از مقوله‌ی موردِ مراجعه هم می‌تواند کمکِ ذی‌قیمتی به یافتنِ مفهوم و لغتِ موردِ نظر بکند.

گنج واژه نه فقط برای یافتن کلمات مورد نیاز در هنگام نویسندگی یا خطابه مفید است بلکه می‌تواند خود مستقلاً موضوع مطالعه‌ی اشخاص علاقه‌مند به لغت قرار گیرد و بر غنای لغوی آنان بیفزاید.

در طبقه‌بندی راجت - به خلاف طبقه‌بندی موضوعات علوم، که به ابتکار ملویل دیوئی در مورد فن کتاب‌داری ابداع شده است و نیز طبقه‌بندی ده دهی جامع (UDC)، که در تکمیل روش دیوئی در قرن بیستم فراهم شده است - آزادی بیشتر لحاظ شده است. اما راجت باز این قید را داشته است که مجموع مقولات از هزار بیشتر نشوند. تقسیم‌بندی راجت بر اساس رده‌بندی کل و جزء یا کلی و جزئی است و او از روش رده‌بندی نردبانی یا پلکانی استفاده نکرده است.

اما ایراد عمده‌ای که به این کتاب راجت گرفته‌اند این است که استفاده از آن وقت‌گیر است و مراجعه‌کننده به آن نمی‌تواند به سرعت به مقصود خود دست یابد. برای حل این شکل برخی فرهنگ‌نگاران کتاب راجت را به صورت فرهنگ مترادفات منتشر کرده‌اند که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

۶. فرهنگ واژه‌یاب

پیش از آن که راجع به این نوع فرهنگ سخن بگوییم بی‌مناسبت نیست که درباره‌ی خود کلمه‌ی «فرهنگ» در حوزه‌ی لغت اشاره‌ای بشود. فرهنگ بدین معنا خود بر دو نوع است: یکی فرهنگ اصطلاحات، دیگری لغت‌نامه که ترتیب الفبایی یا موضوعی - الفبایی در آن رعایت می‌شود. در ترتیب الفبایی نیز، به مقتضای مقصودهای گوناگون، شیوه‌های متعددی به کار رفته است. اما، در فرهنگ مترادفات و دستگاهی، لغات ذیل مقوله‌هایی که خود به ترتیب الفبا تنظیم شده‌اند می‌آیند. یعنی لغات کلیدی به عنوان مقوله در نظر گرفته شده‌اند. البته در اینجا شمار مقولات محدود به هزار نیست. در حقیقت، کلیه‌ی لغات رایج زبان ممکن است به عنوان مقوله مطرح شوند و هر مقوله مدخلی است که با حروف سیاه در اول سطور قرار می‌گیرد، سپس مترادفات آن پشت سر هم ردیف می‌شوند. این فرهنگ را گاهی فرهنگ مترادفات و گاهی فرهنگ مترادفات و مقابلات

(*Dictionary of Synonyms and Antonyms*)

می‌نامند و گاهی نیز آن را گنج واژه‌ی به صورت فرهنگ (*Thesaurus in Dictionary Form*) می‌خوانند و برخی حتی نام راجت را بدان می‌افزایند و *Roget's Thesaurus* را در بالای نام

فرهنگ ذکر می‌کنند.

در هنگام ردیف کردن مترادفات در ذیل هر مدخل یا مقوله، آنها را گاهی به ترتیب الفبایی می‌نویسند و گاهی مانند اصل کتاب راجت بر حسب نزدیکی و دوری مفاهیم مرتب می‌کنند. کسانی که اصل کتاب راجت را به صورت فرهنگ در آورده‌اند معمولاً مقولات هزارگانه‌ی راجت را نیز در جای خود در داخل فرهنگ گنجانده‌اند و، با نحوی از اختصار، مترادفات مندرج در گنج واژه‌ی راجت را ذیل مقوله‌ی خود آورده‌اند یعنی تمام اسم‌ها، صفت‌ها، فعل‌ها، قیدها و غیره را به همان ترتیب کتاب راجت ذیل هر مقوله ذکر کرده‌اند. طبیعی است که در گنج واژه‌ی به صورت فرهنگ مترادفات به ناچار در مدخل‌های متعدد تکرار می‌شوند، لذا حجم کتاب بیشتر می‌شود. اما با روش‌های تنظیم و با اختیار حروف متنوع، صرفه‌جویی‌هایی در استفاده از فضا کرده‌اند و مثلاً ذیل هر مدخل فقط اهم مترادفات یا برخی از مترادفات مهم را آورده‌اند و بقیه را به کلمات دیگر ارجاع داده‌اند. یک جلد از این نوع فرهنگ در اختیار من است که اصل آن را سیلوستر ماسون (C. O. Sylvester MAWSON) از روی کتاب راجت در ۱۹۳۱ میلادی بدون ساخته و نرمان لوئیس (Norman Lewis) آن را به صورت کتاب جیبی در ۱۹۶۱ ویرایش و منتشر کرده است (ناشر WSP) و تخمیناً شامل حدود ۱۵۰ هزار کلمه ذیل ۱۷ هزار مدخل است. در حالی که، در گنجینه‌ی راجت چاپ پنگوئن ۱۹۷۹، ۱۲۳ هزار کلمه در متن اصلی برآورد می‌شود (در نمایه، حدود ۲۳۵۲۴ کلمه با حدود ۴۳۰۰۰ معنا آمده است). فرهنگ مذکور از لحاظ حجم تقریباً معادل نصف متن اصلی چاپ پنگوئن است.

مزیت فرهنگ مترادفات بر گنج واژه این است که مراجعه‌کننده، در آن، مترادفات کلمه‌ی مورد نیاز خویش را به سرعت می‌تواند بیابد. در مقابل کلمه مترادفات بسیاری ردیف شده است و برای یافتن آنچه مورد نظر است نیازی به مراجعه به نمایه نیست، ضمن آن‌که بسیاری از مزایای گنج واژه را هم می‌توان در فرهنگ مترادفات یافت. دیگر آن‌که می‌توان این فرهنگ را با کم و زیاد کردن مدخل‌ها بر حسب نیاز به صورت کوچک و متوسط و بزرگ درآورد یا آن را به صورت نوار رایانه‌ای در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار داد.

اما فرهنگ مترادفات از برخی مزایای مهم گنج واژه محروم است و آن نشان دادن ارتباط منطقی مقولات است با یک دیگر. چون، در فرهنگ مترادفات، متقابل یا متضاد هر کلمه یا مقوله تنها با ارجاع به مدخل‌های دیگر پیدا می‌شود. فواید زبان‌شناسی و فلسفی گنج واژه را نیز در فرهنگ مترادفات نمی‌توان دید.

فعلاً برای زبان فارسی و سایر زبان‌هایی که هنوز چنین کتابی در اختیار ندارند شاید آسان‌تر این باشد که نخست فرهنگ مترادفات تهیه شود؛ سپس، بر اساس آن، با حوصله و صرف وقت کافی گنج واژه واژه‌یاب تدوین گردد.

۷. نام‌گذاری

راحت، چنان‌که دیدیم، کتاب خود را Thesaurus نامید و این کلمه از آن پس برای هر لغت‌نامه‌ای که حاوی مترادفات باشد در انگلیسی رواج یافت؛ همان‌گونه که مجدالدین فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ ه.ق) کتاب معروف لغت خود را القاموس المحيط نامید و بعداً هر لغت‌نامه‌ای را در عربی قاموس نامیدند و نخستین بار بطرس بستانی، در ۱۸۷۰ میلادی، در محیط المحيط خود کلمه‌ی قاموس را به معنای فرهنگ وارد کرد و اکنون بدین معنا کاملاً رایج شده است و حتی در فرهنگ‌های انگلیسی به عربی در مقابل کلمه‌ی Thesaurus نوشته‌اند: «قاموس مترادفات». ما برای Thesaurus اصطلاح گنج واژه را انتخاب کرده‌ایم.

در کتب فرهنگ‌نگاری (Lexicography) که به زبان انگلیسی منتشر شده است برای Thesaurus اصطلاحات زیر را هم به کار برده‌اند: Analogical Dictionary (فرهنگ قیاسی)؛ Ideological Dictionary (فرهنگ مفاهیم)؛ Semantic Dictionary (فرهنگ معانی یا معنایی).

اما به کاربردن «فرهنگ» (Dictionary) یا در عربی «قاموس» برای گنج واژه (Thesaurus) درست نیست زیرا که گنج واژه برحسب موضوع طبقه‌بندی می‌شود نه برحسب الفبا و «فرهنگ» امروزه معمولاً الفبایی بودن را القا می‌کند. از آن گذشته «فرهنگ قیاسی» به نوعی فرهنگ اطلاق می‌شود که، علاوه بر مدخل اصلی، به کلیه‌ی لغات وابسته بدان (مشتقات، ترکیبات، مترادفات، متضادات، متجانسات و غیره) نیز اشاره می‌کند و لذا دامنه‌ی آن وسیع‌تر از فرهنگ مترادفات است. در حقیقت، لغت‌نامه‌ی دهخدا در بسیاری از موارد به چنین فرهنگی شباهت می‌یابد.

ظاهراً مفهوم درست Thesaurus را در ایران کسان دیگری نیز دریافته‌اند و برای آن معادل‌هایی اختیار کرده‌اند. از جمله، در یکی از منابع مرکز اسناد علمی، معادل‌های زیر برای این مفهوم پیشنهاد شده بود: کنز الاصطلاح؛ مجموعه‌ی اصطلاحات؛ واژگان‌نامه؛ اما معلوم نیست که این اصطلاحات در جایی به کار رفته باشد. □